

تدوین الگوی ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها

میثم لطیفی^۱

میثم ظهوریان ابوترابی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۰۸

چکیده

این پژوهش با هدف تدوین الگویی برای ارزیابی فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها و ارزیابی شاخص‌های مذکور در دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد انجام شد. رویکرد پژوهشی در این تحقیق، روش آمیخته اکتشافی است. راهبرد پژوهش در بخش کیفی، روش تحلیل شبکه مضامین و در بخش کمی روش توصیفی-پیمایشی است. ابزار پژوهش در بخش کیفی تحلیل اسناد و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان مسائل فرهنگی است که نمونه‌گیری در این بخش به روش هدفمند صورت گرفته است. در بخش کمی نیز از پرسش‌نامه‌ای مبتنی بر یافته‌های بخش کیفی استفاده شده است. جامعه آماری بخش کمی این پژوهش شامل کلیه دانشجویان ورودی سال‌های ۸۸ تا ۹۱ دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه برآورد و از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم، نمونه آماری انتخاب شد. نتایج بخش کیفی تحقیق موجب شناسایی ۴۴ مضمون پایه به‌عنوان شاخص‌های خرد پژوهش گردید که پس از خوشه‌بندی این مضامین در گروه‌های مشابه، ده مضمون سازمان‌دهنده شناسایی و به‌عنوان شاخص‌های کلان پژوهش انتخاب شدند. سپس از طریق روش تحلیل سلسله‌مراتبی ضریب اهمیت هر یک از شاخص‌ها نیز مشخص شد. نتایج ارزیابی کمی شاخص‌ها در دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد نشان داد که میزان شاخص فرهنگی کل در طول حضور دانشجو در دانشگاه رو به کاهش است. همچنین بیشترین میزان همبستگی بین شاخص‌های هویت ملی و انقلابی وجود دارد و تنها همبستگی‌های منفی تحقیق نیز بین شاخص خانواده با شاخص سرمایه اجتماعی و مصرف فرهنگی است. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند برای ارزیابی وضعیت فرهنگ عمومی دانشجویان و جهت‌دهی به سیاست‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها توسط سیاست‌گذاران و مدیران فرهنگی حوزه آموزش عالی مورد استفاده و مبنای ارزیابی برنامه‌ریزی‌های فرهنگی قرار گیرد.

کلیدواژه: برنامه‌ریزی فرهنگی، ارزیابی، شاخص فرهنگی، فرهنگ دانشگاهی، فرهنگ عمومی

۱. دکترای مدیریت منابع انسانی، استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع). m.latifi@isu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری مدیریت رفتار سازمانی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، (نویسنده مسئول).
Zohurian.m@gmail.com

فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارهای یادگرفتنی، اعتقادات، عادت‌ها و سنت‌هایی دانست که میان جمعی از افراد مشترک است و به طور متوالی توسط دیگران که وارد آن جامعه می‌شوند، آموخته و به کار گرفته می‌شود (سدویک^۱ و سدویک، ۲۰۰۲). فرهنگ عمومی نیز به‌عنوان بخش مهمی از فرهنگ به مثابه سطحی از انباشت فرهنگی و ساختارهایی از عادت‌واره‌های اجتماعی که بیشترین گسترش را در یک جامعه مفروض در زمانی مشخص داشته، قابل تعریف است (فکوهی، ۱۳۸۹). فرهنگ می‌تواند زندگی بشر را غنی کند و منفعت آن را افزایش دهد (سنگه^۲، ۲۰۰۶). عنصر فرهنگ همچنین نقش انکارناپذیری در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تداوم آن داشته است و به‌عنوان عنصری محوری و مسلط در تمامی مناسبات و تحولات اجتماعی عمل می‌کند. دشمنان جمهوری اسلامی ایران همواره می‌کوشند با نفوذ و اشاعه فرهنگ غربی، از طریق تغییر در باورها و نگرش و رفتار مردم باعث ایجاد بحران در کشور شوند و استقلال کشور و دستاوردهای انقلاب را به مخاطره اندازند (شریعتی و طرقدری، ۱۳۹۳). توجه جدی به فرهنگ و به‌ویژه فرهنگ در سازمان در آثار محققان از اوایل دهه ۱۹۷۰ شکل یافت (کلارک^۳، ۱۹۷۳). اما عمق‌گیری مقالات مرتبط با این حوزه عمدتاً به پس از دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد (هیچ^۴، ۱۹۹۳).

در سالیان اخیر توجه زیادی به برنامه‌ریزی فرهنگ شده است (شویونگ^۵، ۲۰۰۹). دیدگاه‌های متنوعی در باب برنامه‌ریزی فرهنگ وجود دارد؛ از دیدگاهی که فرهنگ را به دلیل ماهیت و ساختار وابسته به سازوکارهای درونی و تاریخی آن، برنامه‌پذیر نمی‌داند؛ تا دیدگاهی که می‌خواهد تمام ارکان فرهنگ را تحت برنامه، مدیریت کند. برخی نیز برنامه‌ریزی فرهنگی را در واقع نه برنامه‌ریزی فرهنگ، بلکه برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت مردم در اداره امور فرهنگی یک اجتماع می‌دانند (اصفهانی، ۱۳۸۵). مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «در قبال فرهنگ، دو تفکر افراطی



1. Sedgwick
2. Senge
3. Clark
4. Hatch
5. Shouyong

وجود دارد؛ عده‌ای فرهنگ را مقوله‌ای رها و غیرقابل مدیریت می‌دانند و معتقدند که باید فرهنگ عمومی را به حال خود رها کرد و در مقابل عده‌ای دیگری معتقدند که باید با سخت‌گیری شدید و کنترل همه‌مسائل، قالب‌های خاصی را در فرهنگی عمومی و حتی مسائل و اخلاق شخصی، به جامعه تحمیل کرد؛ اما هر دوی این برخوردها افراطی و مضر است و به مقوله فرهنگ باید با نگاه معقول اسلامی نگریست^۱. تجارب بشر در زمینه تغییر فرهنگی که طی دهه‌های اخیر صورت پذیرفت، تا حدود زیادی صاحب‌نظران را متقاعد کرده است که می‌توان با تکیه بر برنامه‌ریزی‌های معین، به دگرگونی‌های مطلوبی در حوزه امور فرهنگی دست یافت (اکبری، ۱۳۸۱). گفتنی است که علی‌رغم مخالفت ظاهری دولت‌های سکولار با برنامه‌ریزی دولتی در حوزه فرهنگ، این کشورها نیز در این حوزه برنامه‌ریزی می‌کنند (شکبانیان، ۱۳۸۵).

هر برنامه‌ای [از جمله برنامه فرهنگی] برای اطمینان از تطابق پیشرفت آن با اهداف باید مورد ارزیابی قرار گیرد (جان^۲ و لرا^۳، ۲۰۱۲). ارزیابی تهدیدها را به حداقل می‌رساند و یادگیری را حداکثر می‌کند. ارزیابی هم بر اساس خروجی‌ها و هم بر اساس فرایندها قابل انجام است (کیس^۴، ۲۰۰۲). مهم‌ترین ابزار ارزیابی به‌ویژه در سیستم‌های بزرگ، شاخص‌ها^۵ هستند. شاخص در لغت به معنای ملاک و محک وجود پدیده‌ها، علامت مشخص‌کننده وضعیت‌ها و ابزار سنجش تغییرات و تحولات کمی و کیفی است (معین، ۱۳۷۱). شاخص‌ها گونه‌ای از اطلاعات و شواهد هستند که برای بررسی تطبیق تغییرات با اهداف مد نظر جمع‌آوری می‌شوند (کیس، ۲۰۰۲). شاخص‌های فرهنگی نیز ابزارهایی برای گردآوری اطلاعات، تحلیل و ارزیابی فرهنگ هستند و به‌منظور یافتن مقوله‌های قابل اندازه‌گیری فرهنگی طراحی می‌شوند. این شاخص‌ها باید ویژگی‌های خاصی داشته باشند تا سنجش و برنامه‌ریزی برای آنها میسر شود؛ یعنی عینی، کمی و قابل‌شمارش باشند. مسائلی مانند قابل‌اندازه‌گیری بودن، در دسترس بودن داده‌ها و کیفیت آنها همواره در مباحث مربوط به انتشار شاخص‌ها در حوزه فرهنگ و

۱. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۴

2. John
3. Lera
4. Case
5. Index, indicator



قرار دادن فرهنگ و هنر در چارچوب اندازه‌گیری، مورد بحث و بررسی بوده است (داکسبری،^۱ ۲۰۰۳).

در برخی منابع، شاخص‌سازی و رتبه‌بندی مبتنی بر آن به‌عنوان ابزار تضمین کیفیت معرفی شده است (سدلاک^۲، ۲۰۰۶)، در حالی که برخی دیگر ارتباطی بین شاخص و کیفیت نمی‌بینند. رتبه‌بندی‌های بین‌المللی به‌خاطر به‌کارگیری مجموعه‌معیارهای محدود و قابل اندازه‌گیری در ابعاد وسیع، معمولاً روایی ساختاری قابل قبول و جایگاه علمی ندارند (داکسبری، ۲۰۰۳). در عین حال به نظر می‌رسد که رتبه‌بندی بسیاری از نیازهای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران را بهتر از سیستم‌های دیگر برآورده می‌کند (ثاکور^۳، ۲۰۰۷). نظام‌های آموزش عالی مختلف نیز در سطح دنیا برای ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها در حوزه‌های مختلف اقدام به ایجاد شاخص‌ها و نظام‌های رتبه‌بندی مختلفی نموده‌اند (فیض‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). البته باید توجه داشت که کاربردی بودن شاخص‌ها در دانشگاه‌ها در صورتی عملی خواهد شد که سیستم شاخص‌سازی و رتبه‌بندی بتواند با به‌کارگیری مجموعه‌ابزاری کامل و دقیق، توان دانشگاه را به‌درستی در موضوع مورد بررسی مورد سنجش قرار دهد و در غیر این صورت رتبه‌بندی اثرات مخربی بر رفتار و عملکرد دانشگاه خواهد داشت (بولتن^۴، ۲۰۱۰). باید توجه داشت که علی‌رغم وجود اشتراکات و تعاملات بین فرهنگ‌های مختلف، فرهنگ هر جامعه مستقل و از سازوکارهای یکتایی برخوردار است (اسکولون^۵، ۲۰۰۱) که این مسئله مبین لزوم طراحی مشخص و مبتنی بر اقتضائات بومی در ارزیابی فرهنگ است. بر این اساس این پژوهش به تدوین الگویی بومی و مبتنی بر ارزش‌های ملی، دینی و انقلابی از شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌های ایران و ارزیابی آن در جامعه هدف (دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد) می‌پردازد. لذا می‌توان سؤالات پژوهش را به‌شکل زیر صورت‌بندی کرد:

شاخص‌های کلان و خرد بومی و مبتنی بر ارزش‌های ملی، دینی و انقلابی فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها چیست؟



1. Duxbury
2. Sadlak
3. Thakur
4. Boulton
5. Scollon

این شاخص‌ها در دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد چه وضعیتی دارند؟
بین شاخص‌های کلان منتخب تحقیق چه رابطه‌ای وجود دارد؟

پیشینه

تدوین شاخص‌های فرهنگی در جهان سابقه چندانی ندارد و کار بر روی آنها هنوز در مراحل ابتدایی است. مجموع شاخص‌های فرهنگی مطرح در جهان را می‌توان در چهار گروه عمده شاخص‌های توسعه انسانی، شاخص‌های منتشره فرهنگی در کشورهای پیشرفته، شاخص‌های منتشره فرهنگی از سوی یونسکو و شاخص‌های منتشره فرهنگی از سوی سایر نهادها و دستگاه‌های اجرایی ملی و فراملی طبقه‌بندی کرد. اگرچه در کشورهای مختلف جهان اقدامات اندکی در خصوص تدوین شاخص‌های فرهنگی و ارزیابی آنها انجام شده است، اما این شاخص‌ها محصول نگرشی خاص و محدود به مقوله فرهنگ است و تنها با آثار و فعالیت‌های فکری و هنری انطباق دارد. کشورهای غربی (کشورهای صنعتی و فراصنعتی) علاوه بر شاخص‌های توسعه انسانی، از طریق نظرسنجی عمومی (داده‌های نرم) نیز شاخص‌هایی را منتشر کرده‌اند که این شاخص‌ها در کشورهای درحال توسعه و توسعه‌نیافته کاربرد کمی دارند و با فرهنگ و بوم کشور ما سازگاری ندارد (هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی، ۱۳۸۲).

مهم‌ترین اشکال این شاخص‌ها این است که تنها جنبه‌های مطلقاً کمی فرهنگ جهانی را که به آسانی قابل تشخیص‌اند، نشان می‌دهند. همچنین کمی محوری موجود در این شاخص‌ها باعث شده است که به اقتصاد و توسعه‌یافتگی اقتصادی وابستگی تام داشته باشند و ضمن پذیرش برخی جهت‌گیری‌های بنیادین غربی، سوگیری‌های ارزشی جوامع بومی را نیز نشان ندهند. مروری بر فهرست اکثر شاخص‌های بخش فرهنگ در ایران که تا سال‌ها توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه می‌شد، نشان می‌دهد که حتی پس از انقلاب اسلامی نیز، الگوی شاخص‌های فرهنگی یونسکو بر گزارش‌های فرهنگی حاکم بوده است و اکثر تحقیقات و پژوهش‌های انجام‌شده (رشیدی و همکاران، ۱۳۸۴؛ تقوایی و قائد رحمتی، ۱۳۸۵؛ فدایی خوراسگانی و نیری، ۱۳۸۹) نیز مبتنی بر شاخص‌های مصرف کالاها و خدمات فرهنگی و یا سرانه امکانات فرهنگی در جامعه بوده است؛ لذا به نظر می‌رسد ارزش‌ها، هنجارها، باورها و آرمان‌های انقلاب اسلامی



در این شاخص‌ها نادیده گرفته شده‌اند و بر اساس الگوی غالب، صرفاً به کمیت پرداخته شده است.

یونسکو در گزارش جهانی فرهنگ در سال ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ میلادی شاخص‌های فرهنگی کشورهای مختلف جهان همراه با داده‌های مربوط به آنها را ارائه کرد. در گزارش سال ۱۹۹۸ یونسکو، حدود ۱۲۵ شاخص با طبقه‌بندی ارائه شده است. همچنین این سازمان در سال ۱۹۹۵ نیز اقدام به تدوین و عرضه شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در کتاب آمار سال خود کرده است (یونسکو، ۱۹۹۵).

در ایران نیز توجه به تحقیقات مرتبط با شاخص‌سازی در عرصه فرهنگ عمر کوتاهی دارد و اگرچه بیشتر این تحقیقات مبتنی بر الگوی غالب موجود در این زمینه (مصرف فرهنگی و سرانه امکانات) بوده است، اما توجه روزافزون به ایجاد و توسعه شاخص‌های بومی، قابل مشاهده است. ناظمی اردکانی و کشاورز (۱۳۸۵) در مطالعه خود به بررسی تطبیقی شاخص‌های متشده حوزه فرهنگی در ایران و جهان پرداخته‌اند. مقایسه آنها از این شاخص‌ها در ایران و جهان نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران به شاخص‌های فرهنگی اقتصادی و از جمله مسائل اقتصادی جوانان، بیکاری، درآمد، ازدواج و ... در مقایسه با کشورهای پیشرفته کمتر توجه دارد و بیشترین توجه به شاخص‌های فرهنگی اجتماعی از قبیل بهداشت و درمان، تربیت بدنی و نظایر آن بوده است.

در این زمینه، تقوایی و قائد رحمتی (۱۳۸۵) به تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی در استان‌های کشور پرداخته‌اند و نتیجه می‌گیرند که بین استان‌های کشور از نظر بهره‌مندی از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشمگیری وجود دارد. در این بین، استان تهران به‌عنوان تنها استان بسیار توسعه‌یافته و استان‌های ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان و هرمزگان به‌عنوان استان‌های بسیار محروم شناخته شده‌اند.

در پژوهشی دیگر محققان (فدایی خوراسگانی و نیری، ۱۳۸۹) به بررسی تأثیر تحولات شاخص‌های منتخب فرهنگی بر رشد اقتصادی در ایران پرداخته‌اند و در این راستا از شاخص‌هایی همچون سطح دانش و سواد، نرخ خالص ازدواج، میزان استفاده از ظرفیت سینما، مطبوعات و هنجارهای اجتماعی، که شاخص‌های منتخب تأثیرگذار فرهنگی بر عامل انسانی تولید و در نتیجه رشد اقتصادی بوده‌اند، استفاده



کرده‌اند. نتایج به‌دست آمده بیانگر رابطه مثبت و کاملاً معناداری بین شاخص‌های منتخب و رشد اقتصادی بوده و میزان این تأثیر در بلندمدت بیشتر از کوتاه‌مدت به دست آمده است.

موضوع فرهنگ سازمانی در دانشگاه‌ها نیز از جمله موضوعات مورد توجه پژوهشگران داخلی بوده است (رحیم‌نیا و عزیزاده، ۱۳۸۹؛ امین مظفری و همکاران، ۱۳۸۷؛ پورکاظمی و شاکر، ۱۳۸۳). مطالعات داخلی در این عرصه عمدتاً با به‌کارگیری یکی از چارچوب‌های مطرح در ادبیات فرهنگ سازمانی، به ارزیابی وضعیت فرهنگ سازمانی در دانشگاه‌های ایران، عمدتاً از دید اعضای هیئت علمی، پرداخته‌اند.

در حوزه فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها نیز رشیدی و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی روند برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌های دولتی اصفهان طی برنامه دوم و سوم توسعه کشور پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که میان مؤلفه‌های شاخص‌های کیفی در برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی طی برنامه دوم و سوم توسعه تفاوت چندانی وجود ندارد، ولی در خصوص شاخص‌های کمی میان دو برنامه، تفاوت اساسی مشاهده می‌شود. میان عملکرد مجریان فرهنگی در برنامه دوم نیز تفاوت چندانی وجود ندارد. توحیدلو (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن با رویکرد اسلامی» با هدف تحلیل وضعیت فرهنگی دانشگاه و با استفاده از مدل چهاربعدی گلدن و استارک به تحلیل سنجش وضعیت مذهبی و اجتماعی اساتید و دانشجویان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که اساتید این دانشگاه بیشترین مشارکت دینی، سیاسی و اجتماعی و در نتیجه بالاترین وضعیت فرهنگی را دارند. همچنین مردان بیشتر مشارکت سیاسی، و زنان بیشتر مشارکت اجتماعی داشته‌اند. در زمینه تدوین الگوهای بومی شاخص‌سازی نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳ مؤلفه‌های اصلی و شاخص‌های آموزش عالی در گستره ارزیابی کلان و خرد را در بخش‌های عمومی، آموزشی، پژوهشی، دانشجویی، فرهنگی و اعتبارات و امکانات، در دو بعد کمی و کیفی به تصویب رساند.^۱



فصلنامه علمی- پژوهشی

۵۳

تدوین الگوی ارزیابی
شاخص‌های ...

روش تحقیق

رویکردی که در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد، رویکرد آمیخته است. روش تحقیق آمیخته ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است که از طریق آن در یک پژوهش می‌توان به‌طور مؤثر راهبردهای هر دو نوع روش را به کار گرفت. به‌کارگیری یکی از روش‌های تحقیق (کمی و کیفی) تنها جنبه‌های محدودی از یک پدیده را نمایان و تحلیل می‌کند و در این صورت جنبه‌های دیگر پدیده نادیده گرفته می‌شود. بنابراین به کار بردن روش‌های تحقیق آمیخته درک روشن‌تری از پدیده‌های اجتماعی و رفتاری فراهم می‌آورد. با توجه به اولویت زمانی یافته‌های کیفی بر کمی در این پژوهش، می‌توان آن را دارای طرح آمیخته اکتشافی دانست (کرسول^۱، ۲۰۱۳). بر این اساس پارادایم پژوهش حاضر نیز از نوع عملگرایی^۲ محسوب می‌شود. رویکردهای کمی و کیفی تحقیق با برخورداری از مبانی پارادایمی متفاوت، در روش‌شناسی تحقیق نیز متفاوت‌اند. به همین لحاظ زمانی که اندیشمندان از ترکیب این رویکردها بحث می‌کنند، ضرورتاً از مبانی منطقی و نظری عملگرایی استفاده می‌کنند (فیزلر^۳، ۲۰۱۰). در عملگرایی به جای تمرکز بر شرایط و زمینه‌ها، بر نتایج تحقیق (کنش‌ها، موقعیت‌ها و بازتاب‌های تحقیق) تمرکز می‌شود. در این دیدگاه آنچه مورد نظر قرار می‌گیرد، کاری است که باید انجام شود و آن هم حل مسائل است (بیستا^۴، ۲۰۱۰).

راهبرد مورد استفاده در بخش کیفی پژوهش، تحلیل شبکه مضامین است. مضمون به‌عنوان الگویی از معانی که در داده‌های کیفی قابل اکتشاف است، تعریف شده است. بر این اساس، تحلیل مضمون روشی مناسب برای شناسایی و نمایش الگوهای موجود در داده‌های کیفی در رابطه با موضوع پژوهش است (جوف^۵، ۲۰۱۱). تحلیل شبکه مضامین نیز روشی مناسب برای نمایش نتایج حاصل از تحلیل مضمون است. در این روش که توسط آتراید-استرلینگ^۶ (۲۰۰۱) معرفی شده است بر اساس روندی



1. Creswell
2. Pragmatism
3. Feilzer
4. Biesta
5. Joffe
6. Attride-Stirling

مرحله به مرحله سه نوع مضمون شامل مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین عمومی یا فراگیر در داده‌های کیفی توسط محقق شناسایی می‌شود و سپس روابط بین این سطوح از طریق ترسیم شبکه‌ای تارنماگونه به نمایش درمی‌آید. از مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان فرهنگی و همچنین مطالعه و تحلیل اسناد به‌عنوان ابزار پژوهش در بخش کیفی استفاده شده است. بنابراین می‌توان گفت که در این پژوهش، علاوه بر زاویه‌بندی^۱ در روش، از زاویه‌بندی در ابزار نیز استفاده شده است. بیانات حضرت امام و مقام معظم رهبری که مرتبط با مسائل فرهنگی در دانشگاه بوده‌اند، منابع مورد استفاده در تحلیل اسنادی بوده‌اند که به ترتیب از نرم‌افزار صحیفه نور و پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای^۲ استخراج شده‌اند. نمونه‌گیری این بخش نیز به روش هدفمند و با در نظر گرفتن اصل توقف در مرحله اشباع و تکراری شدن داده‌های به‌دست‌آمده انجام شده است. از روش گلوله برفی نیز برای شناسایی افراد صاحب‌نظر در این زمینه استفاده شده است که در نهایت به سیزده مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان امور فرهنگی منجر شد و به دلیل تکراری شدن مضامین پایه حاصل از مصاحبه‌ها و عدم ظهور مضمون جدید در دو مصاحبه آخر نمونه‌گیری در همین مرحله خاتمه یافت. همچنین در نحوه دسته‌بندی مضامین حاصل از پژوهش از شاخص‌های کلان پیشنهادی نقشه مهندسی فرهنگی نیز استفاده شده است و از این لحاظ می‌توان گفت که ترکیبی از رویکردهای قیاسی و استقرایی در تحلیل مضمون پژوهش استفاده شده است. استفاده ترکیبی از رویکردهای قیاسی و استقرایی در تحلیل مضمون موجب می‌شود که پژوهش علاوه بر برخورداری از جنبه‌های تفسیری، از اعتبار نظری بالاتری برخوردار باشد (کراتری^۳ و میلر^۴، ۱۹۹۹).

با توجه به اینکه شاخص‌های مختلف فرهنگی دارای اهمیتی یکسان نیستند، تعیین وزن اهمیت هر شاخص برای تدقیق شاخص کل در تحقیق مورد نیاز است. برای تعیین

۱. این واژه به عنوان معادل فارسی کلمه **Triangulation** در این پژوهش به کار رفته است. برای کلمه مذکور معادل‌های دیگری مانند مثلث‌سازی و سه‌سویه‌سازی نیز در زبان فارسی به کار رفته است، اما از آنجاکه این کلمه اشاره به استفاده از چند (و نه الزاماً سه) بعد و زاویه در ابزار یا روش یا رویکرد در تحقیق دارد، نویسندگان واژه زاویه‌بندی را معادل مناسب‌تری می‌دانند.

2. www.khamenei.ir
3. Crabtree
4. Miller



وزن شاخص‌ها در تحقیق با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و پرسش‌نامه، ماتریس مقایسه‌ی زوجی پرسش‌نامه‌ای طراحی و بین پنجاه نفر از خبرگان و صاحب‌نظران فرهنگی توزیع شد. بر اساس ۳۵ پاسخ‌نامه دریافت‌شده از این افراد، اهمیت هر یک از شاخص‌های فرهنگی پژوهش تعیین گردید.

بخش کمی پژوهش حاضر از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نظر روش، پیمایشی و از نوع همبستگی است. ابزار مورد استفاده در این بخش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته است که بر اساس یافته‌های بخش کیفی پژوهش تدوین شده است. پرسش‌نامه تحقیق شامل ۵۷ گویه بود که با استفاده از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای، نگرش شخصی دانشجویان به شاخص‌های کلان یافت شده در بخش کیفی تحقیق، مورد سنجش قرار گرفت. سپس از طریق آزمون همبستگی رابطه بین شاخص‌های کلان با یکدیگر مورد مطالعه قرار گرفت. جامعه آماری این بخش شامل کلیه دانشجویان ورودی سال‌های ۸۸ تا ۹۱ دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد است که طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، حجم نمونه برآوردشده برابر با ۷۸۰ نفر است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم است که به تفکیک هر دانشگاه برآورد شده است. به منظور افزایش دقت و همچنین رسیدن به این تعداد پرسش‌نامه معتبر، تعداد ۸۵۰ پرسش‌نامه در بین دانشجویان توزیع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در آمار توصیفی برای توصیف داده‌ها از جدول فراوانی، درصد و میانگین استفاده شد و در آمار استنباطی نیز از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی میزان همبستگی شاخص‌های کلان منتخب تحقیق استفاده شده است. برای بررسی قابلیت اعتماد پرسش‌نامه نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. با توجه به اینکه مقدار ضریب آلفای کرونباخ کلیه متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۷ است و در سطح کاملاً مناسبی قرار دارد، بنابراین قابلیت اعتماد (پایایی) این پرسش‌نامه کاملاً مورد تأیید و قابل قبول است. به منظور ارتقای روایی پرسش‌نامه نیز بر اساس نظر سه نفر از اساتید و خبرگان رشته‌های مدیریت و جامعه‌شناسی اصلاحاتی در پرسش‌نامه انجام شد.



نتایج و یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از تحلیل مضامین موجود در داده‌های بخش کیفی پژوهش به شناسایی ۴۴ مضمون پایه منتهی شد که پس از طبقه‌بندی این مضامین در گروه‌های مشابه ده مضمون سازمان‌دهنده تشکیل و به‌عنوان شاخص‌های کلان انتخاب شد. این مضامین در جدول زیر آورده شده‌اند.

جدول ۱. اهمیت هریک از شاخص‌ها از دید خبرگان و صاحب‌نظران فرهنگی

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده (شاخص کلان)	مضامین پایه (شاخص‌های خرد پژوهش)
۱	هویت دینی	پایبندی به احکام دینی، شرکت در مراسم دینی، آخرت‌گرایی، دین‌داری اجتماعی و رفتاری
۲	هویت انقلابی	استکبارستیزی، تبحر و التقاط‌ستیزی، ایثار و شهادت‌طلبی، ولایت‌مداری، حمایت از محرومان
۳	عدالت‌خواهی	عدالت علمی، عدالت اجتماعی، رفاه‌طلب و مصرف‌زده نبودن، حق‌طلبی
۴	عقلانیت	آینده‌نگری، تفکر‌گرایی، مشورت و انتقادپذیری، ابتکار و خلاقیت‌گرایی، بینش و فهم
۵	اخلاق	اخلاق عمومی (صبر، صداقت، وجدان و ...)، اخلاق اقتصادی (انفاق، وقف و ...)، اخلاق سیاسی، اخلاق حرفه‌ای
۶	خانواده	تربیتی و آموزشی، عاطفی، مهارت‌های زندگی، انسجام
۷	استقلال‌طلبی	استقلال فرهنگی، استقلال علمی، استقلال اقتصادی، استقلال فکری، استقلال سیاسی، خودباوری
۸	سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، اعتماد، رضایت، قانون‌مداری
۹	هویت ملی	افتخار به زبان و ادبیات ملی، افتخار به تاریخ ملی، تعلق خاطر به فرهنگ ملی
۱۰	مصرف فرهنگی	رسانه‌های مکتوب، رسانه‌های غیرمکتوب، جهت‌گیری محتوایی در مصرف، تعاملات و ارتباطات فرهنگی

همان‌طور که در جدول مشخص است پس از دسته‌بندی داده‌های تحقیق در گروه‌های مشابه با در نظر گرفتن دو اصل حداکثر جامعیت و مانعیت دسته‌ها و



همچنین انجام اصلاحاتی در نحوه دست‌بندی و نام‌گذاری مضامین بر اساس نظر پنج نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان فرهنگی و اساتید دانشگاه در نهایت ده شاخص کلان شامل شاخص‌های هویت دینی، هویت انقلابی، عدالت‌خواهی، عقلانیت، اخلاق، خانواده، استقلال‌طلبی، سرمایه اجتماعی، هویت ملی و مصرف فرهنگی مورد شناسایی قرار گرفت.

نتایج حاصل از تعیین ضریب اهمیت هریک از شاخص‌ها با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی نیز در جدول زیر قید شده است.

جدول ۲. ضریب اهمیت هریک از شاخص‌ها از دید خبرگان فرهنگی
بر اساس روش تحلیل سلسله‌مراتبی

ردیف	شاخص	میانگین کل
۱	هویت دینی	۰/۱۴۸۷۲۹
۲	هویت انقلابی	۰/۱۳۴۹۳۲
۳	عدالت‌خواهی	۰/۱۱۹۵
۴	عقلانیت	۰/۱۱۳۹۶۹
۵	اخلاق	۰/۱۰۵۶۶۳
۶	خانواده	۰/۰۹۷۶۴۴
۷	استقلال‌طلبی	۰/۰۸۸۵۴۸
۸	سرمایه اجتماعی	۰/۰۶۹۵۲۸
۹	هویت ملی	۰/۰۶۵۱۷۶
۱۰	مصرف فرهنگی	۰/۰۵۶۳۱۱

بر این اساس از منظر خبرگان و صاحب‌نظران فرهنگی، هویت دینی و انقلابی بیشترین اهمیت را در بین شاخص‌های کلان منتخب پژوهش دارند و مصرف فرهنگی از کمترین اهمیت برخوردار است.

سپس به ارزیابی شاخص‌های یازده‌گانه در بین دانشجویان پرداخته شده است و با



توجه به اینکه هر شاخص، ضریب اهمیت متفاوتی دارد، برای محاسبه شاخص کل از میانگین وزنی استفاده شده است. از جمع حاصل ضرب ضرایب اهمیت هر شاخص و میانگین هر شاخص، مقدار شاخص کل به دست آمده است. بررسی وضعیت موجود شاخص‌ها، بر اساس مقیاس بازرگان و همکاران (۱۳۸۶) صورت گرفته است.^۱

جدول ۳. مقیاس استاندارد بازرگان و همکاران (۱۳۸۶)

استاندارد	۲/۳۳ تا ۱	۳/۶۷ تا ۲/۳۴	۳/۶۸ تا ۵
	نامطلوب	نسبتاً مطلوب	مطلوب

در جدول زیر میانگین یازده شاخص قرار داده شده است. با توجه به میانگین شاخص‌ها میزان مطلوبیت هر شاخص در بین دانشجویان مشخص شده است.

جدول ۴. جدول میانگین شاخص‌های فرهنگ عمومی و میزان مطلوبیت آنها

شاخص‌ها	ضریب اهمیت هر شاخص	انحراف از معیار	میانگین	ارزیابی میانگین
اخلاق	۰/۱۰۵۶۶۳	۰/۶۳۳۶۱	۳/۴۲۶۶	به نسبت مطلوب
عقلانیت	۰/۱۱۳۹۶۹	۰/۵۲۵۶۵	۳/۴۴۹۰	به نسبت مطلوب
عدالت‌خواهی	۰/۱۱۹۵	۰/۶۱۳۷۱	۳/۵۸۰۵	به نسبت مطلوب
هویت ملی	۰/۰۶۵۱۷۶	۰/۷۲۹۶۵	۳/۴۴۸۸	به نسبت مطلوب
هویت دینی	۰/۱۴۸۷۲۹	۰/۷۰۸۱۸	۳/۸۲۳۱	مطلوب
هویت انقلابی	۰/۱۳۴۹۲۲	۰/۷۵۹۱۱	۳/۳۸۰۴	به نسبت مطلوب
سرمایه اجتماعی	۰/۰۶۹۵۲۸	۰/۷۵۹۵۷	۳/۸۳۹۷	به نسبت مطلوب
استقلال‌طلبی	۰/۰۸۸۵۴۸	۰/۶۰۴۰۱	۳/۲۷۵۸	به نسبت مطلوب
مصرف فرهنگی	۰/۰۵۶۳۱۱	۰/۸۰۵۰۸	۳/۰۹۱۶	به نسبت مطلوب
خانواده	۰/۰۹۷۶۴۴	۰/۶۹۸۴۲	۴/۰۲۲۴	مطلوب
میانگین شاخص کل	۱	۰/۶۳۳۶۱	۳/۴۸۴۸	به نسبت مطلوب

۱. چنان که در جدول مشاهده می‌شود، بازرگان و همکاران (۱۳۸۶) بر اساس استاندارد مورد نظر، نتایج به دست آمده حاصل از میانگین ۱ تا ۲/۳۳ را در وضعیت نامطلوب، ۲/۳۴ تا ۳/۶۷ را در سطح نسبتاً مطلوب و ۳/۶۸ تا ۵ را در وضعیت مطلوب ارزیابی می‌کنند.



با توجه به جدول و نمودار مشخص می‌شود که شاخص خانواده با امتیاز ۴/۰۲۲۴ بیشترین میانگین را دارد و شاخص هویت دینی و عدالت به ترتیب با امتیازهای ۳/۸۲۳۱ و ۳/۵۸۰۵ بعد از شاخص خانواده بیشترین امتیاز را دارد. همچنین با توجه به استاندارد بازرگان و همکاران شاخص خانواده و هویت ملی در سطح مطلوب قرار دارند و بقیه شاخص‌ها دارای امتیازی به نسبت مطلوب است. کمترین میانگین مربوط به شاخص‌های سرمایه اجتماعی و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی است.

در جدول ۵ شاخص کل در طبقه‌های مختلف نمونه آماری ذکر شده است.

جدول ۵. میانگین شاخص کل فرهنگ عمومی در طبقه‌های مختلف نمونه آماری

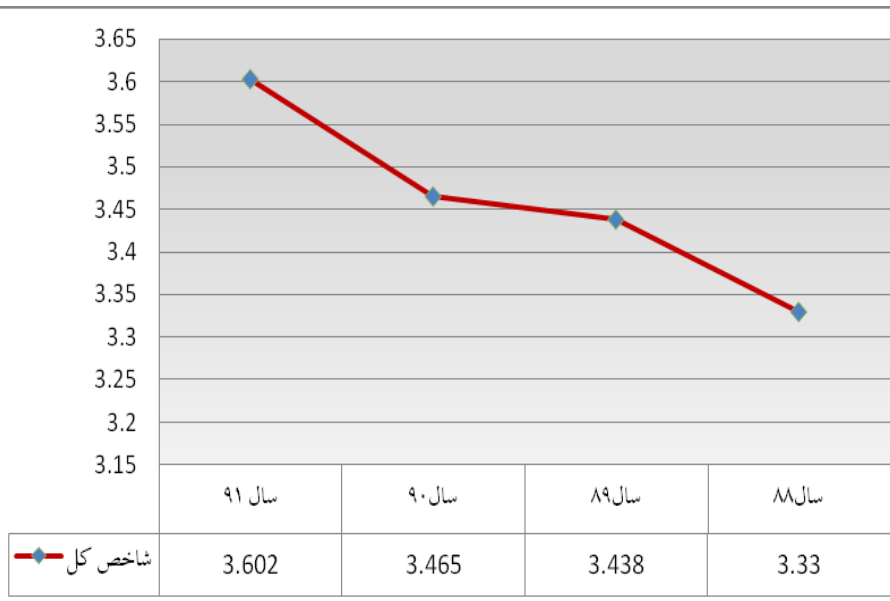
شاخص کل	مرد	زن	بومی	غیربومی	خوابگاهی	غیر خوابگاهی
میانگین	۳/۳۷۷۸	۳/۵۳۵۴	۳/۴۵۴۶	۳/۵۳۰۶	۳/۵۱۶۸	۳/۴۴۹
ارزیابی نمرات شاخص‌ها	به نسبت مطلوب	به نسبت مطلوب	به نسبت مطلوب	به نسبت مطلوب	به نسبت مطلوب	به نسبت مطلوب

همچنین برای مقایسه وضعیت شاخص فرهنگی در دانشجویان ورودی سال‌های مختلف، شاخص کل به تفکیک دانشجویان ورودی چهار سال اخیر اندازه‌گیری شده است که نتایج آن در جدول و نمودار بعد نمایش داده شده است.

جدول ۶. میانگین شاخص کل در دانشجویان ورودی‌های مختلف نمونه آماری

شاخص کل	ورودی ۹۱	ورودی ۹۰	ورودی ۸۹	ورودی ۸۸
میانگین	۳/۶۰۲	۳/۴۶۵	۳/۴۳۸	۳/۳۳
ارزیابی نمرات شاخص‌ها	به نسبت مطلوب	به نسبت مطلوب	به نسبت مطلوب	به نسبت مطلوب





نمودار ۱. روند شاخص کل فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها برای ورودی‌های سال‌های مختلف

در جداول بالا اندازه شاخص کل فرهنگی را به تفکیک می‌بینیم که نشان‌دهنده کاهش گرایش دانشجویان به شاخص‌های منتخب پژوهش و در نتیجه کاهش شاخص کل فرهنگ عمومی دانشجویان در طول چهار سال اول حضور در دانشگاه است.

در مقایسه شاخص کل به تفکیک جنسیت، میزان شاخص کل در بین زنان با امتیاز ۳/۵۳۵۴ بیشتر از مردان است و دانشجویان غیربومی و خوابگاهی به ترتیب با امتیاز ۳/۵۳۰۶ و ۳/۵۱۶۸ گرایش بیشتری را به شاخص کل نشان داده‌اند. در بین ورودی‌های مختلف دانشجویان ورودی ۹۱ دارای بالاترین شاخص فرهنگی (گرایش به شاخص‌های منتخب تحقیق) بوده‌اند.

نتایج آزمون همبستگی برای بررسی ارتباط تمامی شاخص‌ها با یکدیگر نیز در جدول پیش‌رو آمده است.

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی برای بررسی ارتباط تمامی شاخص‌ها با یکدیگر

شاخص‌های مختلف	ضریب همبستگی پیرسون	اخلاق	عقلانیت	عدالت‌خواهی	هویت ملی	هویت دینی	هویت انقلابی	سرمایه اجتماعی	استقلال	مصرف فرهنگی	خانواده
اخلاق											
عقلانیت	ضریب همبستگی	۰/۴۰۱									
	p- مقدار	۰/۰۰۰									
عدالت‌خواهی	ضریب همبستگی	۰/۵۰۶	۰/۳۳۵								
	p- مقدار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰								
هویت ملی	ضریب همبستگی	۰/۳۰۲	۰/۲۸۷	۰/۳۳۳							
	p- مقدار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰							
هویت دینی	ضریب همبستگی	۰/۳۱۹	۰/۲۷۲	۰/۳۸۷	۰/۵۳۱						
	p- مقدار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰						
هویت انقلابی	ضریب همبستگی	۰/۳۱۵	۰/۲۵۷	۰/۳۲۲	۰/۶۵۶	۰/۵۸۴					
	p- مقدار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰					
سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۶۵۰*	۰/۱۰۱*	۰/۰۵۵*	۰/۴۸۷	۰/۲۶۴	۰/۵۰۹				
	p- مقدار	۰/۰۹۰	۰/۰۹۷	۰/۱۴۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰				
استقلال طلبی	ضریب همبستگی	۰/۳۳۲	۰/۲۹۱	۰/۳۹۱	۰/۵۱۸	۰/۴۶۲	۰/۵۶۸	۰/۳۱۴			
	p- مقدار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
مصرف فرهنگی	ضریب همبستگی	-۰/۰۱۳*	۰/۰۶۴*	-۰/۰۱۷*	۰/۳۸۳	۰/۲۹۶	۰/۴۴۹	۰/۴۸۲	۰/۳۳۵		
	p- مقدار	۰/۶۱۴	۰/۰۹۲	۰/۶۶۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
خانواده	ضریب همبستگی	۰/۴۰۰	۰/۲۹۷	۰/۴۲۰	۰/۱۵۶	۰/۳۳۸	۰/۱۵۴	-۰/۰۸۳**	۰/۲۹۷	-۰/۳۱۳**	
	p- مقدار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

* شاخص‌های فاقد همبستگی

** همبستگی منفی بین شاخص‌ها



فصلنامه علمی- پژوهشی

۶۲

دوره هشتم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

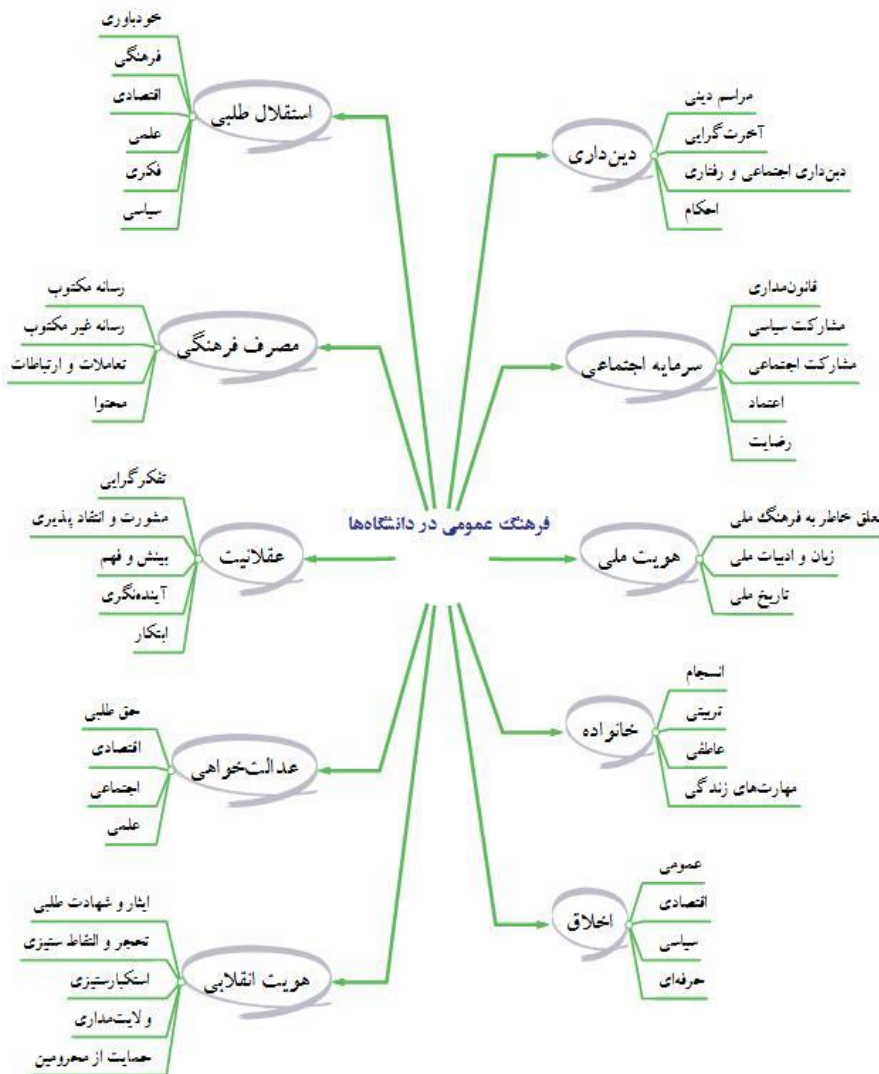
نتایج جدول نشان‌دهنده این است که فرض صفر بودن مقدار همبستگی بین شاخص‌ها تنها در شش مورد پذیرفته می‌شود (با رنگ خاکستری کم‌رنگ نشان داده شده‌اند) که مربوط به ضرایب همبستگی شاخص‌های «مصرف فرهنگی و سرمایه اجتماعی» با شاخص‌های «اخلاق، عقلانیت و عدالت» است. در سایر موارد تمام شاخص‌ها با یکدیگر دارای همبستگی هستند. تنها همبستگی منفی مربوط به شاخص خانواده است. یعنی افزایش شاخص خانواده باعث کاهش شاخص سرمایه اجتماعی و کالا و خدمات فرهنگی شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگویی برای ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها و پیاده‌سازی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد انجام شد. بر اساس نتایج بخش کیفی پژوهش ۴۴ مضمون پایه و ده مضمون سازمان‌دهنده انتخاب گردید که این مضامین به ترتیب به عنوان شاخص‌های خُرد و شاخص‌های کلان مورد استفاده قرار گرفت. این شاخص‌ها شامل شاخص‌های هویت دینی، هویت انقلابی، عدالت‌خواهی، عقلانیت، اخلاق، خانواده، استقلال‌طلبی، سرمایه اجتماعی، هویت ملی و مصرف فرهنگی هستند.

بر این اساس مدل بخش کیفی پژوهش به شکل پیش‌رو ترسیم می‌شود.





شکل ۲. الگوی اکتشافی بخش کیفی پژوهش

نتایج تحقیق در مورد ضریب اهمیت هریک از شاخص‌های کلان پژوهش نیز مشخص کرد که شاخص‌های هویت دینی، هویت انقلابی، عدالت‌خواهی و عقلانیت به ترتیب از اهمیت بیشتری نسبت به سایر شاخص‌ها برخوردار هستند و کمترین اهمیت نیز به شاخص مصرف فرهنگی تعلق دارد.

با توجه به مقیاس ایجادشده در تحقیق برای سنجش فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها و سنجش آن در دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد، روند موجود در شاخص‌ها مبین این است که مدت‌زمان تحصیل در دانشگاه با شاخص فرهنگی کل در دانشجویان رابطه منفی دارد؛ چراکه دانشجویانی که مدت بیشتری در دانشگاه مشغول تحصیل بوده‌اند، در شاخص‌های فرهنگ عمومی نمره پایین‌تری دارند که نشان‌دهنده وجود عواملی مؤثر بر کاهش فرهنگ عمومی دانشجویان در محیط دانشگاه است که به تدریج بر روی نگرش، رفتار و باورهای دانشجویان اثرگذار است. همچنین این مسئله با توجه به فعالیت‌های متعدد انجام‌شده از سوی نهادهای فرهنگی در دانشگاه، نشان‌دهنده لزوم استفاده از روش‌های کارآمدتر و برنامه‌های مؤثرتر برای ارتقای فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها است. همچنین تحلیل همبستگی شاخص‌ها با یکدیگر نشان می‌دهد که توجه به اینکه هیچ‌کدام از همبستگی بین شاخص‌ها بیش از ۰,۷ نیست، می‌توان گفت هرکدام از شاخص‌ها مشارکت یکتایی در شکل‌دهی شاخص کل دارند که بر اعتبار تحقیق و مقیاس ایجادشده برای آن می‌افزاید. بیشترین همبستگی موجود بین شاخص‌ها، بین دو شاخص مرتبط با هویت، یعنی هویت ملی و انقلابی وجود دارد که همبستگی ۰,۶۵۶ را نشان می‌دهد و پس از آن هویت انقلابی با هویت دینی بیشترین همبستگی را با ۰,۵۸۴ دارند. این مطلب نشان‌دهنده این است که ارتقای هریک از ابعاد هویتی در دانشجویان می‌تواند به رشد سایر شاخص‌های مرتبط با هویت کمک کند. همچنین نتیجه این پژوهش نشان‌دهنده همبستگی مثبت بالای شاخص‌های هویت دینی و ملی با یکدیگر است که این نتیجه در سازگاری با نتیجه پژوهش ایمان و روحانی (۱۳۹۲) است. این محققان در پژوهشی بر روی دانشجویان دانشگاه شیراز با این فرض نظری که هویت اسلامی با هویت ملی با یکدیگر در تضاد و رقابت هستند، به بررسی رابطه بین هویت اسلامی و هویت ملی پرداختند و در نهایت به این نتیجه می‌رسند که رابطه مثبت معناداری بین هویت اسلامی و ملی وجود دارد. تنها همبستگی‌های منفی تحقیق نیز بین شاخص خانواده با شاخص سرمایه اجتماعی و کالا و خدمات فرهنگی مشاهده می‌شود. همچنین پایین بودن شاخص سرمایه اجتماعی (شامل ابعاد مشارکت، اعتماد، رضایت، وحدت و هم‌گرایی مذهبی) نیز می‌تواند جزو شاخص‌های نگران‌کننده باشد که ارتقای آن نیازمند تدوین برنامه‌های خاص فرهنگی در این حوزه است. رابطه مثبت





مشخص شده بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و دین مؤید تحقیقات پیشین در زمینه رابطه این دو شاخص است. جکمن^۱ و میلر^۲ (۱۹۹۸) معتقدند که مذهب بیش از هر نهاد دیگری به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌تواند کمک کند. پوتنام^۳ نیز معتقد است که یکی از نهادهای کلیدی که افراد در آن به مهارت‌های اجتماعی و مدنی (مانند شرکت در جلسات، طرح‌ریزی، سخنرانی عمومی، ارائه مطلب، نوشتن نامه و ...) دست می‌یابند، در داخل اجتماعات مذهبی است. مذهب حداقل در برخی کشورها (مانند ایتالیا) نه جزئی از جامعه مدنی، که به‌عنوان جایگزین آن قابل طرح است (پوتنام، ۱۹۹۳: ۱۰۷-۱۰۹). دین مهم‌ترین نهادی است که در جامعه در برابر تعصبات طبقه‌ای موضع‌گیری و آن را ضعیف می‌کند و عضویت در یک گروه و دسته مذهبی به معنای تعلق داشتن به شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی است (بردی^۴ و همکاران، ۱۹۹۵). فوکویاما^۵ (۲۰۰۱) نیز سرمایه اجتماعی را محصول جانبی مذهب می‌داند. تحقیق رستگار خالد (۱۳۹۲) بر روی رابطه مؤلفه‌های خانواده جوانان تهرانی و دین‌داری نیز در سازگاری با نتایج پژوهش حاضر، نشان‌دهنده اهمیت و نقش مثبت انسجام خانوادگی در افزایش دین‌داری جوانان است.

مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی دانشگاه‌های کشور می‌توانند از شاخص‌های کلان و خرد فرهنگ عمومی که در تحقیق حاضر به دست آمده است، برای ارزیابی وضعیت فرهنگ عمومی دانشجویان استفاده کنند. همچنین از طریق سنجش دوره‌ای شاخص‌های مذکور در قالب پژوهش‌های طولی، می‌توان به رصد تغییرات این شاخص‌ها در بین دانشجویان در طول زمان پرداخت. همچنین تحلیل وضعیت این شاخص‌ها و تغییرات آن در طول زمان می‌تواند به مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی در بخش آموزش عالی در برنامه‌ریزی دقیق‌تر و مبتنی بر واقعیت اجتماعی کمک کند. همان‌طور که در مطالعه ادبیات پژوهش اشاره شد، روند حاکم بر توسعه شاخص‌های فرهنگی در ایران متأثر از روند جهانی این حوزه، عمدتاً مبتنی بر

1. Jackman
2. Miller
3. Putnam
4. Brady
5. Fukuyama

شاخص‌های کمی مرتبط با حوزه‌های مصرف کالاهای فرهنگی و سرانه امکانات فرهنگی بوده است و از این جهت پژوهش حاضر به دلیل تدوین و استفاده از مدلی مبتنی بر شاخص‌های بومی و نظام ارزشی اسلامی دارای نوآوری است. پژوهشگران در آینده می‌توانند با استفاده از الگوی تدوین شده در پژوهش حاضر، به ارزیابی روند شاخص‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها از طریق پژوهش طولی بپردازند. همچنین سیاست‌گذاران و مسئولان فرهنگی دانشگاه‌ها نیز می‌توانند از شاخص‌های تدوین شده در این پژوهش، برای ارزیابی وضعیت موجود و روندهای فرهنگی و جهت‌دهی به سیاست‌های فرهنگی در دانشگاه استفاده کنند. همچنین با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده کاهش شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشجویان در طول سال‌های حضور در دانشگاه است، پژوهشگران می‌توانند در قالب تحقیقی کیفی به بررسی عوامل مؤثر بر کاهش شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشجویان در طول مدت تحصیل در دانشگاه بپردازند.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۶۷

تدوین الگوی ارزیابی
شاخص‌های ...

تشکر و قدردانی

نویسندگان در انجام این تحقیق از مدیریت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی مشهد که حامی و تأمین‌کننده هزینه پژوهش حاضر بودند، تشکر می‌کنند.

منابع

- اصفهانی، مینا (۱۳۸۵). مدیریت فرهنگی و چشم‌انداز ۲۰ ساله. مجموعه مقالات اولین همایش مهندسی فرهنگی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۵۲-۱۶۲.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۱). تجربیاتی از برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران. فصلنامه فرهنگ عمومی، ۳۳، ۱۴.
- امین‌مظفری، فاروق، پرداختچی، محمدحسن، یمنی دوزی سرخابی، محمد و ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۷). بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و سبک‌های رهبری در دانشگاه‌های ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۴۷، ۱۳۳-۱۵۸.
- ایمان، محمدتقی و روحانی، علی (۱۳۹۲). هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت جهانی، ملی و قومی). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱، ۱۲۷-۱۴۸.
- بازرگان، عباس، حجازی، یوسف و اسحاقی، فاخته (۱۳۸۶). فرایند اجرای ارزیابی درونی در گروه‌های آموزشی دانشگاهی (راهنمای عملی). تهران: نشر دوران.
- تقوایی، مسعود و قائد رحمتی، صفر (۱۳۸۵). تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. ۷، ۱۱۷-۱۳۵.
- توحیدلو، اکبر (۱۳۸۷). بررسی وضعیت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن با رویکرد اسلامی. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۱، ۱۲۱-۱۵۴.
- رحیم‌نیا، فریبرز، و علی‌زاده، مسعود (۱۳۸۸). بررسی ابعاد فرهنگ سازمانی بر اساس مدل دنیسون از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد. مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۳۵، ۱۴۷-۱۷۰.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی خانواده و دینداری جوانان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۶، ۵۵-۸۶.
- رشیدی، حمیدرضا، میرشاه جعفری، سیدابراهیم، و شریف خلیفه سلطانی، مصطفی (۱۳۸۴). بررسی روند برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌های دولتی اصفهان طی برنامه دوم و سوم توسعه کشور. روانشناسی و علوم تربیتی، ۷۰، ۱۹۹-۲۲۰.
- شریعتی، شهرروز، و عظیمی طرقدری، محمد (۱۳۹۳). الزامات راهبردی جمهوری اسلامی در مدیریت بحران جنگ نرم. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۷ (۳)، ۱۲۷-۱۴۸.
- شکیبانیان، مهدی (۱۳۸۵). نگرشی بر ابعاد برنامه‌ریزی مهندسی فرهنگی. همایش ملی مهندسی فرهنگی، آذر ۱۳۸۵، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- فدایی خوراسگانی، مهدی، و نیری، سمیه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر تحولات شاخص‌های منتخب فرهنگی بر رشد اقتصادی در ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱(۱)، ۱۳۳-۱۵۹.



فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). چشم‌انداز فرهنگ عمومی و نظام دانشگاهی در جهان و در ایران. برگ فرهنگ، ۲۱، ۲۲-۳۵.

فیض‌پور، محمدعلی، خانعلی‌زاده، رسول، و دهموبد، بابک (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی شاخص‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در سطح جهان و ایران. اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران: پژوهشکده سیاستگذاری علم، فناوری و صنعت.
معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.

هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی (۱۳۸۲). تحلیل روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی فرهنگ، هنر و ارتباطات در کشورهای مختلف جهان. گزارش طرح پژوهشی، تهران.

Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1 (3), 385-405.

Biesta, G. (2010). *Pragmatism and the Philosophical Foundations of Mixed Methods Research*. Sage handbook of mixed methods in social and behavioral research. Second edition, 95-118.

Boulton, G. (2011). University rankings: diversity, excellence and the european initiative. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 13, 74-82.

Brady, H. E., Verba, S., & Schlozman, K. L. (1995). Beyond SES: a resource model of political participation. *American Political Science Review*, 89 (2), 271-294.

Case, M. (2002). *People & Planning, Human Resources Management Tool Kit for CAPC Projects*. Winnipeg: The Pas Family Resource Centre.

clark, B. (1973). The organizational Saga in higher education. *Administrative Science Quarterly*, 17, 178-184.

Crabtree, B. and Miller, W. (1999). *A Template Approach to Text Analysis: Developing and Using Codebooks*, in B. Crabtree and W. Miller (eds) *Doing Qualitative Research*. Newbury Park, CA: Sage.

Creswell, J. W. (2013). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. Sage publications.

Duxbury, N. (2003). *Cultural Indicators and Benchmarks in Community Indicator Projects: Performance Measures for Cultural Investment?*. In *Accounting for Culture: Examining the Building Blocks of Cultural Citizenship Conference*, Gatineau, Quebec, 13-15

Feilzer, M. Y. (2010). Doing mixed methods research pragmatically: Implications for the rediscovery of pragmatism as a research paradigm. *Journal Of Mixed Methods Research*, 4(1), 6-16.

Fukuyama, F. (2001). *Social Capital, Civil Society and Development*. *Third world quarterly*, 22 (1), 7-20.

Hatch, M. J. (1993). *The dynamics of organizational culture*. *Academy of Management Review*, 18 (4), 657-693.

Jackman, R. W., & Miller, R. A. (1998). Social capital and politics. *Annual Review of Political Science*, 1 (1), 47-73.

Joffe, H. (2011). *Thematic Analysis*, Chichester: John Wiley & Sons.

John, K., & Lera, T. (2012). *Human resource management and value addition*



- through strategic human resource planning. *Research Expo International Multidisciplinary Research Journal*, 2 (4), 58-66.
- Ouchi, W. G. (1981). *Theory Z: How American Business Can Meet the Japanese Challenge*. New York: Avon.
- Putnam, R. D. (1993). The prosperous community. *The American prospect*, 4 (13), 35-42.
- Sadlak, J. (2006). Validity of university ranking and its ascending impact on higher education in Europe. *Bridges*, 12 (12), 13-27.
- Scollon, R. (2001). *Inter-Cultural Communication*. Oxford: Blackwell Publishers.
- Sedgwick, E., & Sedgwick, P. (2002). *Cultural Theory: The Key Thinkers*. London and New York: Routledge.
- Senge, P. (2006). *The Fifth Discipline: the Art and Practice of the Learning Organization*. New York: Doubleday.
- Shou-yong, H. U. (2009). Culture planning in ethnology and anthropology. *Journal of Ningbo University of Technology*, 1, 13-31.
- Thakur, M. (2007). The impact of ranking systems on higher education and its stakeholders. *Journal of Institutional Research*, 13 (1), 83-96.
- Unesco. (2009). *Investing in Cultural Diversity and Intercultural Dialogue*. Paris: Unesco Publishing.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۷۰

دوره هفتم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۴

Developing a Model for Assessing Public Culture Indicators at Universities

Meisam Latifi¹

Meisam Zohurian Aboutorabi²

Abstract

The present study is aimed to develop a model for assessing public culture at universities and evaluating its indicators at public universities in Mashhad. The research follows an exploratory mixed approach. Research strategies in qualitative and quantitative sections are thematic networks analysis and descriptive- survey method, respectively. In the qualitative section, document analysis and semi-structured interviews with cultural experts are used as research tools. In this section, targeted sampling is carried out. In the quantitative section, a questionnaire which is developed based on the findings of the qualitative section is used as the research tool. Research population of the quantitative section consists of all the students who are admitted to public universities in Mashhad between 2009 and 2012. Sample size was calculated according to Cochran's formula. Stratified sampling was used to select the sample. The results of the qualitative section led to the identification of 44 basic themes which are referred to as the micro indicators. These themes were clustered into similar groups. Then, 10 organizer themes were identified and recognized as macro indicators. In the next phase, importance factor of each indicator is determined according to the AHP method. The results of the qualitative assessment of indicators at public universities of Mashhad show that the overall cultural index declines during the years the student attends the university. Additionally, the highest correlation exists between national identity and revolutionary identity. The only negative correlations are observed between family and two indicators including social capital and cultural consumption. The results of the present study can be used to assess the state of public culture among university students and also be considered as a basis for assessing cultural planning.

Keywords: Cultural planning, Evaluation, Indicator development, Academic culture, Public culture



IJCR

9

Abstract

1. Assistant Professor, Faculty of Islamic study and management, Imam Sadiq University.
m.latifi@isu.ac.ir

2. Ph.D. Candidate, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, (Corresponding Author). Zohurian.m@gmail.com



Bibliography

- Akbari, M. A. (1381 [2002 A.M]). Tajrobiyāti az barnāmeḥ rizi-e farhangī dar Irān. *Faslnāmeḥ-ye Farhang-e 'Omumi*, 33, 4.
- Amin Mozafari, F., Pardāxtci, M. H., Yamani Duzi Sorxābi, M., & Zokāyi, M. S. (1387 [2008 A.D]). Barresi-e rābeteh-ye farhang-e sāzmāni va sabk hā-ye rahbari dar dānešgāḥ hā-ye Irān. *Faslnāmeḥ-ye Pažuheš va Barnāmeḥ rizi dar Amuzeš-e 'Āli*, 47, 133-158.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, 1 (3), 385-405.
- Bāzargān, 'A., Hejāzi, Y., & Eshāqi, F. (1386 [2007 A.D]). Farāyand-e Ejrā-ye Arzyābi-e Daruni dar Goruh hā-ye Amuzeši-e Dānešgāhi (Rāhnāmā-ye 'Amali). Tehrān: Našr-e Durān.
- Biesta, G. (2010). Pragmatism and the Philosophical Foundations of Mixed Methods Research. Sage handbook of mixed methods in social and behavioral research. Second edition, 95-118.
- Boulton, G. (2011). University rankings: Diversity, excellence and the European initiative. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 13, 74-82.
- Brady, H. E., Verba, S., & Schlozman, K. L. (1995). Beyond SES: A Resource Model of Political Participation. *American Political Science Review*, 89 (02), 271-294.
- Case, M. (2002). People & Planning, Human Resources Management Tool Kit for CAPC Projects. Winnipeg: The Pas Family Resource Centre.
- Clark, B. (1973). The organizational Saga in higher education. *Administrative Science Quarterly*, 17, 178-184.
- Crabtree, B. and Miller, W. (1999). *A Template Approach to Text Analysis: Developing and Using Codebooks*, in B. Crabtree and W. Miller (eds) *Doing Qualitative Research*. Newbury Park, CA: Sage.
- Creswell, J. W. (2013). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. Sage publications.
- Duxbury, N. (2003). *Cultural Indicators and Benchmarks in Community Indicator Projects: Performance Measures for Cultural Investment?*. In *Accounting for Culture: Examining the Building Blocks of Cultural Citizenship Conference*, Gatineau, Quebec, 13-15
- Esfahāni, M. (1385 [2006 A.M]). *Modiriyat-e Farhangī va Čāšm andāz-e 20 Sāleh*. Majmu'eh maqālālāt-e avalin hamāyeš-e mohandesi-e farhangī. Tehrān: Šurā-ye 'Āli-e Enqelāb-e farhangī, 152-162.
- Fadāyi xorāsgāni, M., Nayeri, S. (1389 [2010 A.D]). Barresi ta'sir-e tahavolāt-e šāxes hā-ye montaxab-e farhangī bar rošd-e eqtesādi dar Irān. *Pažuheš hā-ye Rošd va Tose'eh-ye Eqtesādi*, 1 (1), 133-159.
- Fakuhi, N. (1389 [2010 A.D]). Čāšm andāz-e farhang-e 'omumi va nezām-e dānešgāhi dar jahān va dar Irān. *Barg-e Farhang*, 21, 22-35.
- Feilzer, M. Y. (2010). Doing mixed methods research pragmatically: Implications for the rediscovery of pragmatism as a research paradigm. *Journal of Mixed Methods Research*, 4(1), 6-16.
- Feyz pur, M., Xān'ali Zādeh, R., & Deh Mubed, B. (1390 [2011 A.D]). Motāle'eh-

- ye tatbiqi-e šāxes hā-ye rotbeh bandi-e dānešgāh hā dar sath-e jahān va Irān. *Avalin Hamāyeš-e Meli Amuzeš dar Irān 1404*. Tehrān: Pažuheškadeh-ye siyāsatgozāri-e elm, fanāvāri va san'at.
- Fukuyama, F. (2001). *Social Capital, Civil Society and Development*. Third world quarterly, 22 (1), 7-20.
- Hatch, M. J. (1993). The Dynamics of Organizational Culture. *Academy of Management Review*, 18 (4), 657-693.
- Hey'at-e nezārat va arzyābi-e farhangi va elmi (1382 [2003 A.D]). Tahlil-e Raveš hā va Šāxes hā-ye Arzyābi-e Farhang, Honar va Ertebātāt dar Kešvar hā-ye Moxtalef-e Jahān. Gozāreš-e tarh-e pažuheši. Tehrān.
- Imān, M.T., & Ruhāni, 'A. (1392 [2013 A.D]). Huviyat-e eslāmi va huviat hā-ye raqīb (Huviyat-e jahāni, meli va qumi). *Faslnāmeḥ-ye Tahqiqāt-e Farhangi-e Irān*, 1, 127-148.
- Jackman, R. W., & Miller, R. A. (1998). Social capital and politics. *Annual Review of Political Science*, 1 (1), 47-73.
- Joffe, H. (2011). *Thematic Analysis*. Chichester: John Wiley & Sons.
- John, K., & Lera, T. (2012). Human Resource Management and Value Addition Through Strategic Human Resource Planning. *Research Expo International Multidisciplinary Research Journal*, 2 (4), 58-66.
- Mo'in, M. (1371 [1992 A.D]). *Farhang-e Fārsi*. Tehrān: Amir kabir.
- Ouchi, W. G. (1981). Theory Z: How American Business Can Meet The Japanese Challenge. New York: Avon.
- Putnam, R. D. (1993). The prosperous community. *The American Prospect*, 4 (13), 35-42.
- Rahim niyā, F., & 'Alizādeh, M. (1388 2009 A.D]). Barresi-e ab'ād-e farhang-e sāzmāni bar asās-e model-e denison az nazar-e Denison az nazar-e a'zā-ye hey'at-e elmi-e dānešgāh-e ferdusi-e mašhad. *Majaleh-ye Motāle'āt-e Tarbiyati va Ravānšenāsi*, 35, 147-170.
- Rašidi, H., Miršāh Jafari, S. E., & Šarif Xalifeh Soltāni, M. (1384 [2005 A.D]). Barresi-e ravand-e barnāmeḥ rizi-e fa'āliyat hā-ye farhangi-e dānešgāh hā-ye dūlati-e esfāhān teye barnāmeḥ-ye dovom va sevom tose'eh-ye kešvar. *Ravānšenāsi va 'Olum-e Tarbiyati*. 70, 199-220.
- Rastgār xāled, A. (1392 [2013 A.D]). Sarmāyeh-ye eĵtemā'i-e xānevādeh va dindāri-e javānān. *Faslnāmeḥ-ye Tahqiqāt-e Farhangi-e Irān*. 6, 55-86.
- Sadlak, J. (2006). Validity of University Ranking and Its Ascending Impact on Higher Education in Europe. *Bridges*, 12 (12), 13-27.
- Šakibā niyā, M. (1385 [2006 A.D]). Negareši bar ab'ād-e barnāmeḥ rizi-e mohandesi-e farhangi. *Hamāyeš-e Meli-e Mohandesi-e Farhangi*, Tehrān: Šurā-ye 'Āli-e Enqelāb-e farhangi.
- Šari'ati, Š., 'Azimi Taraghari, M. (1393 [2014 A.D]). Elzāmāt-e rāhbordi-e jomhuri-e ieslāmi dar modiriyat-e bohrān-e narm. *Faslnāmeḥ-ye Tahqiqāt-e Farhangi-e Irān*. 7 (3), 127-148.
- Scollon, R. (2001). *Inter-cultural Communication*. Oxford: Blackwell Publishers.
- Sedgwick, e., & Sedgwick, P. (2002). *Cultural Theory: The Key Thinkers*. London and New York: Routledge.



- Senge, P. (2006). *The Fifth Discipline: The Art and Practice of the Learning Organization*. New York: Doubleday.
- Shou-yong, H. U. (2009). *Culture Planning in Ethnology and Anthropology*. Journal of Ningbo University of Technology, 1, 13-31.
- Taqvāyi, M., Qā'ed Rahmati, S. (1385 [2006 A.D]). Tahlil-e šāxes hā-ye tose'eh-ye farhangi-e ostān hā-ye kešvar. *Joghrāfiyā va Tose'eh-ye Nāhiyeh-i*, 7, 117-135.
- Thakur, M. (2007). The impact of ranking systems on higher education and its stakeholders. *Journal of Institutional Research*, 13 (1), 83-96.
- Tuhidlu, A. (1387 [2008 A.D]). Barresi-e vaz'iyat-e farhangi-e dānešgāh-e āzād-e eslāmi vāhed-e rud-e hen bā ruykard-e eslāmi. *Faslnāmeḥ-ye Pajuheš-e Ejtemā'i*, 1, 121-154.
- Unesco. (2009). *Investing in Cultural Diversity and Intercultural Dialogue*. Paris: Unesco Publishing.



IJCR

12

Vol. 8
No. 1
Spring 2015